

## گزارش

## گزارش «شهرود» از ناپدید شدن معمایی ۳ مرد جوان در روزهای کرونایی

## محسن، معین و حالا دانیال

**سیمافراهانی** اسپریال ناپدید شدن جوان ها همچنان ادامه دارد. معین شریفی و محسن محروقی؛ حالا هم دانیال یزدانی در این لیست قرار گرفته. لیستی که معمای آن تا به امروز حل نشده است. پازل گمشده‌ای که نه امدادگران، نه پلیس و نه خانواده‌های گمشدگان نتوانسته‌اند آن را حل کنند.

پنج ماه از ناپدید شدن محسن محروقی، ۶۸ روز از گم شدن معین شریفی و حالا نیز ۱۴ روز از ناپدید شدن مرموز دانیال یزدانی می‌گذرد. مردان جوانی که داستان سرنوشت آنها عجیب به نظر می‌رسد. آنهایی که در یک روز و ساعت مشخص رفتند و دیگر بازنگشتند. نه از محسن رد و نشانی است و نه از معین. حتی یک سرنخ هم وجود ندارد. خانواده‌هایشان در این روزهای کرونایی در تکاپو هستند. مادران، چشم انتظار یک خبرمانده‌اند. مظنونان یک به یک احضار می‌شوند و هیچ نتیجه‌ای به دست نمی‌آید. معین شریفی در جنگل‌های کردکوی و محسن محروقی نیز در کارخانه‌ای در پردیس ناپدید شد. خانواده‌های محروقی و شریفی و حالا یزدانی روزگار سختی را می‌گذرانند.

## روزگار سخت خانواده یزدانی

دانیال هم به لیست گمشده‌های مرموز اضافه شده؛ گمشده‌ای که هیچ نشانی از او نیست. معمای ناپدید شدن دانیال از روز ۱۹ آبان ماه آغاز شد. او به دماوند رفت. یک قرار کاری با یکی از همکارانش؛ ۱۴ روز از آن دوشنبه نحس گذشته ولی هیچ نشانی از این مرد ۳۷ ساله نیست. مردی که به گفته خانواده‌اش مهربان بود و با هیچ کس اختلافی نداشت. دانیال به تازگی شرکتش را تأسیس کرده بود. شادی و وصف نشدنی برای ادامه زندگی داشت، اما هیچ کس نمی‌داند که دانیال چه شد. الان کجاست. اصلاً زنده است یا نه. معمای ناپدید شدن دانیال حالا خانواده‌اش را از پا درآورده. پسر مجردی که با هیچ کس هم اختلافی نداشت. بنیامین برادر کوچکتر دانیال است. او که هنوز از این اتفاق شوکه است نمی‌تواند حدس بزند که چه اتفاقی برای تنها برادرش رخ داده است. او با صدایی لرزان ماجرای این اتفاق پیچیده را برای «شهرود» روایت می‌کند:

## دانیال دقیقاً چه روزی و چه ساعتی ناپدید شد؟

روز دوشنبه ۱۹ آبان ماه بود. ظهر با مادر بزرگم صحبت کرد. از آن لحظه تا الان هیچ خبری از او نداریم. آخرین بار کجایم رفت که گم شد؟

با یکی از همکارانش قرار کاری داشت. می‌خواستند در رابطه با موضوع کاری با هم صحبت کنند. برای همین به دماوند رفت. در راه بود که با مادر بزرگم صحبت کرد. دیگر از او خبری نشد.

## فردی که با او قرار داشت، در این باره چه می‌گوید؟

او اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. می‌گوید که دانیال آمد و با هم صحبت کردند و بعد از صحبت، دانیال از او جدا شد. دیگر هیچ خبری ندارد. البته او را به آگاهی معرفی کردیم. مأموران پلیس هم او را احضار کردند. ولی هنوز چیزی مشخص نشده است.

## با خودروی شخصی سرفرار رفت؟

نه اتفاقاً این مسأله هم برای ما معما شده است. خودروی ۲۰۶ برادرم در پارکینگ خانه‌اش با پارک است. با خودروی خود زفته بود. حالا نمی‌دانیم که تنه‌رفته یا کسی او را تادماوند برده است.

## به هیچ کس مظنون نیستید؟

نه. فقط همان فردی که با او قرار داشت را به پلیس آگاهی معرفی کردیم، اما بعید است که او خبر داشته باشد. آنها سر مسائل کاری یک قرار ساده داشتند.

## برادران قرار بود در این ملاقات پول بگیرند؟

نه پول و چیز بازرشی در کار نبود. برادرم به تازگی یک شرکت تأسیس کرده بود. کارشان تجاری سازی شرکت‌های دانش بنیان بود. برادرم خیلی به دنبال تأسیس شرکت رفته بود. سخت تلاش کرد تا موفق شد. تازه چند ماهی بود که این شرکت را راه اندازی کرده بود. آن روز هم برای گرفتن اطلاعات و مشورت درباره شرکتش با آن فرد قرار داشت. من خودم هر روز در رابطه با شرکت با او صحبت می‌کردم. در جریان تمام کارهایش بود. این فرد را هم از قبل می‌شناختم. با هم دوست نبودند. ولی در راستای کار با هم آشنایی داشتند.

## آخرین بار چه زمانی با او صحبت کردید؟

من هر روز با دانیال حرف می‌زدم. به خاطر شرکتش با او همکاری می‌کردم. کاری یا کمکی از دستم برمی‌آمد برایش انجام می‌دادم. آن روز هم با هم صحبت کردیم، اما دیگر از او خبری نداشتم. مادر بزرگم آخرین بار با او صحبت کرد. برای احوالپرسی تماس گرفته بود. دانیال هم گفت که برای دیدن همکاری به دماوند می‌رود.

## برادران با کسی اختلاف نداشت؟

نه اصلاً. او فرد مهربانی بود. تنها زندگی می‌کرد. هیچ مشکلی با کسی نداشت. سرش به زندگی خودش گرم بود. تمام فکر و ذکرش هم شرکتش بود.

## خانه برادران کجاست؟

در خیابان کارگر جنوبی زندگی می‌کند. شرکت هم همانجا است.

پنج ماه از ناپدید شدن محسن محروقی، ۶۸ روز از گم شدن معین شریفی و حالا نیز ۱۴ روز از ناپدید شدن مرموز دانیال یزدانی می‌گذرد.

مردان جوانی که داستان سرنوشت آنها عجیب به نظر می‌رسد. آنهایی که در یک روز و ساعت مشخص رفتند و دیگر بازنگشتند. نه از محسن رد و نشانی است و نه از معین. حتی یک سرنخ هم وجود ندارد.

## دانیال ازدواج نکرده است؟

نه مجرد است. هیچ ماجرای عشقی که بخواهد باعث کینه و دشمنی شود هم در زندگی‌اش وجود نداشت. او زندگی آرامی داشت.

## تحصیلاتش چه بود؟

لیسانس اصلاح نباتات داشت. پیش از تأسیس شرکت چه شغلی داشت؟

کارهای کامپیوتری انجام می‌داد.

تحقیقات پلیس آگاهی پایتخت به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است؟

نه. هیچ سرنخی وجود ندارد. درخواست ما این است که زودتر دوربین‌های مدار بسته را چک کنند. موبایلش خاموش است. ولی اگر برادرم جایی زنده باشد و به کمک نیاز داشته باشد، باید هرچه زودتر او را پیدا کنیم. برای همین چشم امید ما به مأموران پلیس و البته مردم است. البته مشخص شد که

دانیال هم به لیست گمشده‌های مرموز اضافه شده؛ گمشده‌ای که هیچ نشانی از او نیست. معمای ناپدید شدن دانیال از روز ۱۹ آبان ماه آغاز شد. او به دماوند رفت. یک قرار کاری با یکی از همکارانش؛ ۱۴ روز از آن دوشنبه نحس گذشته ولی هیچ نشانی از این مرد ۳۷ ساله نیست

در پزشکی قانونی نیست. این مسأله ما را امیدوارتر کرده است. ممکن است که برادران خودش به جایی رفته باشند؟

اصلاً از این رفتارها نمی‌کرد. در ضمن او تازه شرکتش را تأسیس کرده بود. برای این موضوع به شدت خوشحال بود. تمام تلاشش را می‌کرد که این شرکت با اوضاع بهتری پیش برود. وقتی برای این کارش هیجان داشت، چرا باید جایی برود که کسی از او خبری نداشته باشد. مطمئنم حتی اگر اینطور هم بود بالاخره به من که تنها برادرش هستم خبر می‌داد. ولی زندگی‌اش جوری بود که اصلاً رفتنش با منطق جور در نمی‌آید. برای همین اصلاً به این موضوع فکر نمی‌کنیم.

## حال روز مادر و پدرتان چطور است؟

۱۴ روز است که نگرانیم. حال و روز خوبی نداریم. همه به دنبال سرنخی از دانیال می‌گردیم. عکسش را در اینستاگرام و



فضای مجازی منتشر کرده‌ام. البته برخی از هنرمندان نیز عکس برادرم را منتشر کرده‌اند. به دنبال ردی از او هستیم. امیدواریم که بتوانیم خبرهای خوبی بشنویم.

## چشم انتظار محسن

محسن محروقی نخستین گمشده‌ای بود که ماجرای زندگی‌اش در فضای مجازی دست به دست چرخید. پسر گرافستی که ۱۸ سال سابقه کار در مطبوعات کشور را دارد. پنج ماه از ناپدید شدنش در کارخانه سیمان در پردیس می‌گذرد. ۳ سال پیش به پیشنهاد برادرزن‌هایش در این کارخانه به عنوان تکنیسین برق مشغول به کار شد.

او پنج ماه پیش ناپدید شد و تنها یک گوشی از او در همین کارخانه سیمان به جا ماند. دیگر نه هیچ ردی و نه اثری؛ از چهار ماه پیش پرونده مفقودی محسن در پلیس آگاهی ساپوریه جریان افتاد. از شاهدان و خانواده همسر محسن بازجویی شد، اما پرونده با توجه به محل مفقود شدن به کلانتری و دادسرای پردیس ارجاع شد. با این حال همچنان پرونده سربه‌مهر باقی مانده است.

حالا خانواده‌اش چشم انتظار خبری از او هستند. پدر محسن از دوری پسرش آزار می‌گیرد. چند وقتی است که بیماری‌اش تشدید شده است. مادر به جراثشک و دعا کاری از دستش بر نمی‌آید. خواهر محسن است که به تنهایی پرونده برادرش را پیگیری می‌کند. او سه ماهی است که در خانه پدری‌اش زندگی می‌کند تا هم دلگرمی برای قلب شکسته و بیمار پدر و مادر باشد و هم پیگیر پرونده برادر، اما هنوز پیگیری‌هایش به نتیجه‌ای نرسیده است. در حال حاضر پیگیری‌ها انجام می‌شود. هنوز هم پرونده در جریان است، ولی هیچ اثری نیست.

خواهر محسن در این باره می‌گوید: «در حال حاضر نمی‌توانیم در رابطه با این پرونده نظر قطعی بدهیم. قاضی شعبه دوم دادسرای پردیس برای گرفتن استعلامات آخر دستور صادر کرده است. باید استعلامات گرفته شود و قاضی دستور نهایی را صادر کند. ای کاش می‌توانستیم هرچه زودتر دوباره محسن را در آغوش بگیریم.»

## معمای معین

معین را هم این روزها تقریباً همه می‌شناسند. پدر دو قلوهای یک ساله که برای پیاده‌روی به جنگل‌های کردکوی رفت، ولی دیگر نه خبری و نه نشانه‌ای؛ آخرین تماس با شاگرد مغازه‌اش بود که به او گفت تا نیم ساعت دیگر می‌رسم. خودرواش در همان جنگل پیدا شد. ولی از خودش خبری نبود.

کوهنوردان، نجاتگران هلال احمر، جنگلبانان و دیگر نیروهای امدادی ۲۰ روز تمام به دنبال او گشتند. و جب‌به‌وجب جنگل را جست‌وجو کردند، ولی هیچ نشانه‌ای نیافتند. تا اینکه عملیات جست‌وجو متوقف شد. پیگیری پرونده هم به‌طور کامل به دستگاه قضائی و انتظامی واگذار شد. یعنی پرونده معین وارد فاز جنایی شد. با این حال تقریباً دو ماه از گم شدن این مرد جوان می‌گذرد و هیچ اتفاق تازه‌ای نیفتاده است. بی‌خبری از معین، زندگی خانواده‌اش را به هم ریخته است. دلوان و دلوین تولد یک سالگی‌شان که روز ۱۶ آبان بود را بدون پدر جشن گرفتند.

پدر معین در این باره می‌گوید: «معین زندگی دارد. زن و بچه دارد. او عاشق دو قلوهایش بود. وضع مالی‌اش هم بد نبود. چرا باید خودش جایی برود و هیچ خبری ندهد. آن هم این قدر ناگهانی؛ از طرفی معین مشکلی با کسی نداشت. نمی‌دانیم چه اتفاقی برایش افتاد. از انتظار خسته شدیم. کاش یک ردی از او پیدا شود. با این حال مأموران پلیس در حال پیگیری هستند.»

## ماجرای سرقت پیکان کلکسیون شریک

اختلاف حساب دو شریک با سرقت خودروی کلکسیونی همراه شد. سارقان اجیر شده با فرمان مرد آشنا پیکان قدیمی را در میدان تجریش دزدیدند.

بیست و چهارم شهریور ماه پرونده‌ای با موضوع سرقت یک خودروی پیکان کلکسیونی به شکایت یکی از شهروندان در کلانتری ۱۰۱ تجریش تشکیل شد.

شاکی به مأموران گفت: ساعت ۲۴ پانزدهم شهریور ماه با خودروی پیکان خودم که کلکسیونی است در حال تردد در حوالی میدان تجریش بودم. ناگهان چند موتور سوار با مسدود کردن مسیر مانع حرکت من شدند و به سمت من حمله کردند. با تهدید سلاح سرد و ایجاد رعب و وحشت مرا به زور از خودرو به بیرون انداختند و پیکان را سرقت کردند.

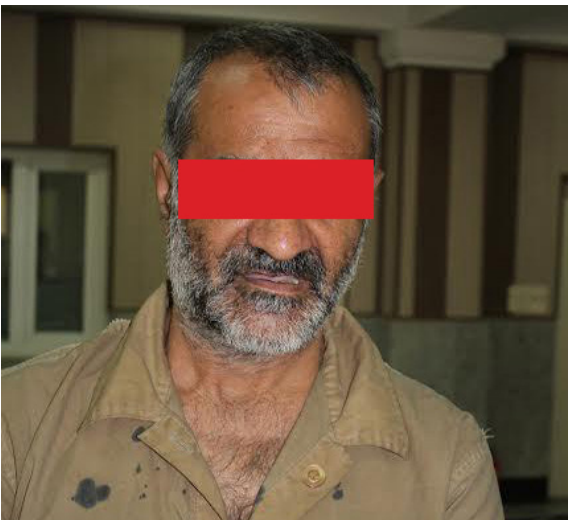
با توجه به اظهارات شاکی، فیلم دوربین‌های مدار بسته محل سرقت مورد بازبینی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد ۳ سارق پس از سرقت خودرو مرد دیگری را سوار خودرو می‌کنند و از محل متواری می‌شوند.

کارآگاهان با بررسی بیشتر موفق می‌شوند تصویر نفر چهارمی که پس از سرقت سوار خودرو شده بود را استخراج کنند. وقتی شاکی تصویر نفر چهارم را دید او را شناسایی کرد. نفر چهارم کامران بود شریک مرد شاکی که از مدتی قبل با یکدیگر به اختلاف حساب خورده بودند.

با شناسایی هویت یکی از متهمان کارآگاهان پس از اخذ دستور قضایی و انجام اقدامات پلیسی کامران را یکم آبان ماه در نشانی عباس آباد دستگیر کردند. خودرو سرقتی هم از محل زندگی متهم کشف شد.

کامران پس از انتقال به پلیس آگاهی در تحقیقات بعمل آمده به جرم خود اعتراف کرد: «با توجه به اختلاف مالی که با شاکی داشتم با اجیر کردن ۳ مرد اقدام به سرقت خودرو او کردم.»

با اعتراف متهم، پرونده به شعبه هشتم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران ارسال و متهم با قرار مجرمیت روانه زندان شد. تلاش جهت دستگیری سایر همدستان وی همچنان ادامه دارد.



## تدریس سارق حرفه‌ای به دزدان نوپا

قدیمی‌ترین سارق موبایل و کیف تهران که کلاس آموزشی برای مجرمان نوپا گذاشته بود دستگیر شد. این متهم ۵۰ ساله در مدت ۳ روز ۳۰ گوشی سرقت کرد.

با توجه به وقوع چندین موبایل‌قاپی در محدوده کلانتری ۱۳ آبان، تیم عملیات این کلانتری نسبت به جمع‌آوری سرنخ و تصاویر دوربین‌های مدار بسته برای شناسایی و دستگیری متهم اقدام کرد.

در بررسی‌های بیشتر مشخص شد، این موبایل‌قاپی‌ها توسط یکی از قدیمی‌ترین سارقان کیف‌قاپ و موبایل‌قاپ تهران در حال انجام است.

با توجه به بازداشت این سارق و سپری کردن مدت زمان حبس، مأموران احتمال دادند که او از زندان آزاد شده و بار دیگر به سرقت روی آورده است. فرضیه‌ای که درست بود و متهم در خانه‌اش توسط مأموران دستگیر شد.

مأموران در خانه این سارق حرفه‌ای به ۲۷ تلفن همراه و تبلت سرقتی برخورد کردند.

متهم که چاره‌ای جز اعتراف نداشت به مأموران گفت: «در چند روز گذشته این ۳۰ گوشی و تبلت را سرقت کردم.» متهم ۵۰ ساله که سابقه سیاهی در پرونده کیفری خود دارد بارها به اتهام سرقت کیف و گوشی پشت میله‌های زندان را تجربه کرده است. اما اینبار پس از آزادی از زندان جوان‌ها را اغفال کرده و با آموزش به این گروه اقدامات مجرمانه خود را عملی می‌کرد. متهم با تدریس سرقت به پسران جوان ترک موتورسیکلت می‌نشست و سرقت‌های سریالی خود را کلید می‌زد. البته در برخی موارد هم به تنهایی نقشه‌های دزدی‌های را اجرایی می‌کرد.